Journal of Islamic Management

Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

Thirteen years with Islamic Management Journal; Comparative-Lexical Analysis of Governance and Islamic Management

Mohammad Javad Naeiji[*1] | shmim Hashemianzadeh[2]

1. Assistant Professor, Department of Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: m_naeiji@sbu.ac.ir
2. PhD Student, Department of Business Administration, Faculty of Management and Accounting, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: s_hashemianzadeh@sbu.ac.ir

Volume info

Vol. 34
Series: 1
SPring 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
08 September 2025
Revised:
19 February 2026
Accepted:
08 June 2026
Published:
20 October 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234

Abstract

Purpose: The objective of this research is to analyze the application and interplay of key concepts related to Islamic governance and management within the country's scholarly journals, with a specific focus on the journal *Islamic Management* (*Modiriyat-e Eslami*), published by Imam Hossein University. Employing a mixed-methods approach—incorporating both lexical content analysis and thematic analysis—the study examines the frequency, conceptual focus, and co-occurrence networks of selected keywords from the journal's inception up to the year 1403 [approx. 2024/2025]. The concepts under investigation include: management and Islamic management, Islamic governance, the Quran, the *Nahj al-Balagha*, *Sharia* (Islamic law), Imam Ali (AS), Imam Hossein (AS), Imam Khomeini (RA), Imam Khamenei, the martyred leader of the Revolution, social capital, organizational commitment, organizational citizenship behavior, Martyr Soleimani, *Jihadi* management, the Islamic Revolution, Islamic work ethics, thematic analysis, *Jihadi* culture, Islamic leadership, and the *Jihadi* organization.

Methodology: The research methodology is based on content analysis and text mining. Using NVivo and MAXQDA software, the study conducted an analysis of word frequency, conceptual co-occurrence, and co-occurrence networks. Furthermore, information-theoretic metrics—such as Shannon entropy—were employed to assess the concentration and distribution of concepts. This combination of methods has enabled the mapping of the publication's discursive structure and the relationships between its various conceptual layers.

Findings: The results of the frequency analysis indicate that the journal *Islamic Management* possesses a distinct discursive orientation. In this discourse, identity-textual sources—such as the Quran and the *Nahj al-Balagha*—as well as concepts related to religious leadership (specifically Imam Ali (AS), Imam Khomeini (RA), and the "Martyred Leader of the Revolution"), hold a greater conceptual centrality compared to other concepts. Co-occurrence network analysis further reveals that "management" and "Islamic management" function as the network's central nodes, bridging the layers of identity-textual sources, religious leadership, and emerging organizational concepts. Within this network, an analytical distinction emerges between the "Martyred Leader"—viewed as a religious-intellectual authority—and the "Martyred Leader of the Revolution"—viewed as an institutional-organizational leader. Notably, the synthesis of these two dimensions exhibits the highest frequency of co-occurrence with behavioral concepts such as social capital, organizational commitment, and organizational citizenship behavior. Furthermore, "Martyr Soleimani," serving as a concrete archetype of *jihadi* leadership, acts as an intermediary between value-based concepts and organizational actions.

Research limitations: Overall, the publication's discourse possesses a multi-layered yet unbalanced structure, in which identity-textual layers and religious leadership are dominant, while behavioral-organizational concepts appear primarily as consequences of Islamic management.

Keywords: Comparative analysis, governance, Islamic management, lexical network.

Cite this Paper: Naeiji'M, & Hashemianzadeh'S.(2026). Thirteen years with Islamic Management Journal; Comparative-Lexical Analysis of Governance and Islamic Management. Journal of Islamic Management. 34(1), 83-114. **DOR: 20.1001.1.22516980.1405.34.1.5.2**

OPEN ACCESS

CC BY

Publisher:
Imam Hossein University.

© The Author(s).

مدیریت اسلامی
Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

۱۳ سال با نشریه مدیریت اسلامی؛ تحلیل تطبیقی– واژگانی حکمرانی و مدیریت اسلامی

محمدجواد نائیجی [1*] | شمیم هاشمیان‌زاده [2]

۱. استادیار، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Email: m_naeiji@sbu.ac.ir
۲. دانشجوی مقطع دکتری، گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Email: s_hashemianzadeh@sbu.ac.ir

سال و شماره
سال ۳٤ ، شماره: ۱
بهار ۱٤۰۵

نوع مقاله
مقاله پژوهشی

سابقه مقاله
تاریخ دریافت: ۱٤۰٤/۰۶/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱٤۰٤/۰۲/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰۳/۱۸
تاریخ انتشار: ۱٤۰۵/۰۷/۲۸

شاپا چاپی و الکترونیکی
شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۵۲۳٤-۲۶٤۵

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، تحلیل نحوه کاربرد و تعامل مفاهیم کلیدی حکمرانی و مدیریت اسلامی در نشریات علمی کشور با تمرکز بر نشریه «مدیریت اسلامی» دانشگاه امام حسین (ع) است. پژوهش با رویکرد آمیخته و مبتنی بر تحلیل محتوای واژگانی و تحلیل مضمون، به بررسی بسامد، تمرکز مفهومی و شبکه هم‌وقوعی کدواژه‌های منتخب از ابتدای انتشار تا سال ۱۴۰۳ پرداخته است. مفاهیم مورد بررسی شامل مدیریت و مدیریت اسلامی، حکمرانی اسلامی، قرآن، نهج‌البلاغه، شریعت، امام علی(ع)، امام حسین (ع)، امام خمینی (ره)، امام خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب، سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی، رفتار شهروندی سازمانی، شهید سلیمانی، مدیریت جهادی، انقلاب اسلامی، اخلاق کار اسلامی، تحلیل مضمون، فرهنگ جهادی، رهبری اسلامی و سازمان جهادی است.

روش پژوهش: روش تحقیق مبتنی بر تحلیل محتوا و داده‌کاوی متنی بوده و با استفاده از نرم‌افزارهای NVivo و MAXQDA، تحلیل فراوانی واژگان، هم‌زمانی مفاهیم و شبکه هم‌وقوعی انجام شده است. همچنین برای ارزیابی میزان تمرکز و توزیع مفاهیم، از شاخص‌های آمار اطلاعات نظیر آنتروپی شانون بهره گرفته شده است. این ترکیب روش‌ها امکان بازنمایی ساختار گفتمانی نشریه و روابط میان لایه‌های مختلف مفهومی را فراهم کرده است.

یافته‌ها: نتایج تحلیل فراوانی نشان می‌دهد که نشریه «مدیریت اسلامی» دارای جهت‌گیری گفتمانی مشخصی است که در آن، منابع هویتی–نصّی مانند قرآن و نهج‌البلاغه و نیز مفاهیم مرتبط با رهبری دینی، به‌ویژه امام علی(ع)، امام خمینی(ره) و رهبر شهید انقلاب، از تمرکز مفهومی بالاتری نسبت به سایر مفاهیم برخوردارند. تحلیل شبکه هم‌وقوعی نیز نشان می‌دهد که «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» به‌عنوان گره‌های مرکزی شبکه عمل کرده و پیونددهنده لایه‌های هویتی–نصّی، رهبری دینی و مفاهیم نوپدید سازمانی هستند. در این شبکه، تفکیک تحلیلی میان «رهبر شهید» به‌عنوان مرجع دینی–فکری و «رهبر شهید انقلاب» به‌عنوان رهبر نهادی–سازمانی مشاهده می‌شود، در حالی که ترکیب این دو بیشترین هم‌وقوعی را با مفاهیم رفتاری نظیر سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی دارد. همچنین «شهید سلیمانی» به‌عنوان الگوی عینی رهبری جهادی، نقش واسط میان مفاهیم ارزشی و کنش‌های سازمانی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری: در مجموع، گفتمان نشریه ساختاری چندلایه اما نامتوازن دارد که در آن، لایه‌های هویتی–نصّی و رهبری دینی غالب بوده و مفاهیم رفتاری–سازمانی بیشتر در جایگاه پیامدهای مدیریت اسلامی ظاهر شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل تطبیقی، حکمرانی، مدیریت اسلامی، شبکه واژگانی.

استناد: نائیجی؛ محمدجواد، هاشمیان‌زاده، شمیم.(۱۴۰۵). ۱۳ سال با نشریه مدیریت اسلامی؛ تحلیل تطبیقی- واژگانی حکمرانی و مدیریت اسلامی؛ مدیریت اسلامی؛ ۳۴(۱)؛ ۱۱۴-۸۳. DOR: 20.1001.1.22516980.1405.34.1.5.2

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)

OPEN ACCESS
CC BY
© نویسندگان.

مقدمه

در جهان معاصر، حکمرانی و مدیریت به‌عنوان دو مفهوم بنیادین در اداره جوامع، سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی- اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند در سطح جهانی، مدل‌های حکمرانی عمدتاً بر پایه پارادایم‌های لیبرال- سرمایه‌داری و فن‌سالارانه توسعه یافته‌اند که از قرن بیستم به بعد، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، در قالب گفتمان‌هایی نظیر «حکمرانی خوب[1]»، «مدیریت عمومی نوین[2]» و «مدیریت مشارکتی[3]» تبلور یافته‌اند. در این میان، برخی پژوهشگران مسلمان به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران در تلاش بوده‌اند با بازخوانی میراث معرفتی و دینی خود، مدل‌های بدیلی را با تکیه بر مبانی اسلامی برای حکمرانی و مدیریت عرضه نمایند؛ رویکردی که از آن با عنوان «مدیریت اسلامی» یا «حکمرانی اسلامی» یاد می‌شود (بوساری[4]، ۲۰۲۵).

با این حال و با وجود تأکیدات فراوان در اسناد بالادستی همچون قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل دوم و پنجم)، بیانیه گام دوم انقلاب (رهبر شهید انقلاب، ۱۳۹۷) و سیاست‌های کلی نظام، همچنان ساحت نظریه‌پردازی و تولید ادبیات علمی در قلمرو مدیریت و حکمرانی اسلامی با چالش‌هایی جدی مواجه است. یکی از این چالش‌ها، فقدان چارچوب‌های مفهومی منسجم، قابل سنجش و مبتنی بر متون دینی در تبیین این مفاهیم است. اگرچه مفاهیم بنیادینی همچون «عدالت»، «مشورت»، «مسؤولیت‌پذیری»، «تقوا» و «خلافت انسان» به‌عنوان عناصر محوری حکمرانی در اسلام شناخته می‌شوند (سروش، ۱۳۸۲)، اما در اغلب متون علمی منتشرشده در نشریات داخلی، این مفاهیم یا به‌صورت خطابی و ارزش‌محور مطرح شده‌اند یا به‌طور پراکنده و بدون پیوند نظام‌مند با نظریه‌های مدیریتی مدرن بوده‌اند(گنجعلی و پارسازاده، ۱۳۹۰).

در کنار مفاهیم بنیادین حکمرانی اسلامی، طی سال‌های اخیر واژگانی همچون «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «رهبری اسلامی»، «اخلاق کار اسلامی»، «سرمایه اجتماعی» و «تعهد سازمانی» به‌عنوان مفاهیم مکمل در گفتمان مدیریت اسلامی ایران مطرح شده‌اند. این مفاهیم، به‌ویژه در نسبت با انقلاب اسلامی و رهبری دینی، نقش مهمی در صورت‌بندی الگوی بومی مدیریت اسلامی ایفا می‌کنند، اما میزان حضور، نحوه کاربست و پیوند مفهومی آن‌ها با منابع نصّی اسلامی در نشریات علمی، کمتر

1. Good governance
2. modern public management
3. participatory management
4. Busari

به‌صورت نظام‌مند بررسی شده است.در این راستا، نشریات علمی تخصصی در حوزه مدیریت اسلامی از جمله «فصلنامه مدیریت اسلامی» وابسته به دانشگاه امام حسین (ع)، یکی از مهم‌ترین بسترهای تولید و بازتاب دانش در این زمینه محسوب می‌شوند. این نشریه که با هدف تبیین مفاهیم اسلامی در مدیریت و پاسخ به نیازهای علمی نظام اسلامی منتشر شده است، بایستی بتواند نقش مؤثری در نظریه‌پردازی، توسعه ادبیات علمی بومی و خلق مفاهیم میان‌رشته‌ای ایفا کند. با این حال، این پرسش مطرح است که تا چه اندازه مفاهیم بنیادین حکمرانی اسلامی در مقالات این نشریه به‌صورت نظام‌مند، مفهومی و تحلیلی به‌کار رفته‌اند؟ و آیا استفاده از منابع دینی و شخصیت‌های مرجع اسلامی همچون قرآن، نهج‌البلاغه، امام حسین(ع)، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری صرفاً در سطح ارجاعات تزئینی و اخلاقی باقی مانده یا به‌صورت مفاهیم نظری و سازه‌های تحلیلی در مباحث مدیریتی لحاظ شده‌اند؟ در سطح بین‌المللی نیز مطالعات متعددی با رویکرد مرور نظام‌مند و فراترکیب به تحلیل پژوهش‌های حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند. برای نمونه، پژوهش‌های دیگر نشان داده‌اند که ادبیات جهانی بیشتر بر کلیدواژه‌هایی چون شفافیت، هیئت نظارت شرعی، پایداری و عملکرد مالی متمرکز بوده است. مرور این ادبیات بیانگر آن است که در سطح جهانی، تمرکز واژگانی و مفهومی حکمرانی اسلامی بر مقاصد شریعت، پاسخگویی و همگرایی با اهداف توسعه پایدار شکل گرفته است (محمد و همکاران[1]، ۲۰۲۵). مقایسه یافته‌های حاضر با این جریان‌های بین‌المللی می‌تواند جایگاه نشریه مدیریت اسلامی ایران را در نقشه جهانی پژوهش آشکار سازد (عالم و همکاران[2]، ۲۰۲۵). برای پاسخ به این پرسش، تحلیل محتوا و تحلیل واژگانی می‌تواند روشی مؤثر برای بررسی کاربست مفاهیم و کلیدواژگان در متون علمی باشد. تحلیل واژگانی به‌ویژه با بهره‌گیری از ابزارهایی مانند ابرواژه[3]، شاخص آنتروپی شانون و نقشه‌های شبکه‌ای واژگان، امکان شناخت میزان تمرکز، تکرار و هم‌رخدادی مفاهیم را فراهم می‌سازد در واقع، تحلیل داده‌محور متون علمی می‌تواند مشخص سازد که آیا روند پژوهش در نشریه مورد بررسی، به سمت نظریه‌پردازی بومی و اسلامی حرکت کرده یا صرفاً با استفاده از الفاظ اسلامی، به تکرار کلیشه‌های رایج مدیریت غربی پرداخته است.

1. Muhamed et al
2. Alam et al
3. Word Cloud

مطالعات پیشین نیز این دغدغه را به‌صورت پراکنده مطرح کرده‌اند. برای مثال، سلطانی و خوشبین (۱۳۹۵) در تحلیلی از چندین سال محتوای مقالات مدیریت اسلامی نشان دادند که ارجاعات به منابع اسلامی عمدتاً در سطح مقدمه یا نتیجه‌گیری مطرح شده و در چارچوب‌های نظری و متدولوژی پژوهش، کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین، بهارستان (۱۳۸۳) با بررسی تطبیقی نظریه‌های مدیریت اسلامی و مدیریت رایج، نتیجه گرفت که بخش قابل توجهی از پژوهش‌های داخلی فاقد چارچوب تحلیلی مبتنی بر مفاهیم دینی هستند و بیشتر به ترجمه یا اقتباس نظریه‌های غربی با بار معنایی اسلامی بسنده کرده‌اند.

از سوی دیگر، یکی از موانع تحقق نظریه‌پردازی اسلامی در حوزه مدیریت، فقدان روش‌های تحلیل نظام‌مند و داده‌محور در بررسی متون علمی است. برخلاف سنت کلاسیک در علوم اسلامی که به‌صورت تفسیری، اجتهادی و معنایی به متون می‌نگرد، حوزه مدیریت نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای تحلیلی، مدل‌سازی مفهومی و استخراج شاخص‌های قابل سنجش است. در این میان، تحلیل واژگان کلیدی نه تنها امکان سنجش کمّی تکرار مفاهیم را فراهم می‌کند، بلکه با ترسیم شبکه‌های هم‌رخدادی می‌تواند نشان دهد که چه مفاهیمی در کنار یکدیگر مطرح شده‌اند و چه رابطه‌ای میان منابع دینی و مفاهیم مدیریتی برقرار شده است با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش با هدف تحلیل تطبیقی کاربست مفاهیم کلیدی حکمرانی و مدیریت اسلامی در نشریات علمی، به‌ویژه نشریه «مدیریت اسلامی» دانشگاه امام حسین(ع) انجام می‌گیرد. تمرکز اصلی بر واژگان محوری همچون «مدیریت اسلامی»، «حکمرانی اسلامی»، «قرآن»، «نهج‌البلاغه»، «شریعت»، «امام خمینی (ره)»، «رهبر شهید(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» و «امام حسین (ع)» خواهد بود. برای افزایش جامعیت بررسی و اطمینان از اینکه تحلیل واژگانی صرفاً محدود به چند واژه محوری نباشد، پیکره اولیه پژوهش همچنین از نظر حضور برخی مفاهیم پرتکرار در گفتمان مدیریت اسلامی همچون "مدیریت جهادی"، "فرهنگ جهادی"، "رهبری اسلامی"، "اخلاق کار اسلامی"، "انقلاب اسلامی" و "امام خامنه‌ای" نیز اسکن شد. نتایج نشان داد که اگرچه برخی از این مفاهیم در معدودی از مقالات ظاهر شده‌اند، اما فراوانی آنها در حدی نبود که بتوان آنها را وارد تحلیل شبکه‌ای و شاخص‌های هم‌وقوعی کرد. با این حال، گزارش این بررسی تکمیلی موجب افزایش اطمینان‌پذیری نتایج و شفافیت فرایند تحلیل شد. این مطالعه تلاش خواهد کرد با بهره‌گیری از

روش‌های نوین تحلیل محتوا، از جمله شاخص آنتروپی شانون و ترسیم شبکه واژگان، به تحلیل نحوه و میزان حضور مفاهیم اسلامی در متون علمی بپردازد و کاستی‌های احتمالی را روشن سازد.

مبانی نظری

رویکرد نظری این تحقیق بر چهار رکن اصلی استوار است: اصول اخلاقی-فقهی اسلام (قرآن، نهج‌البلاغه)، نظریه‌های نهادی اسلامی (شریعت‌محور)، مفهوم رهبری اسلامی و ولایت فقیه، و بررسی تطبیقی با نظریه‌های مدرن مدیریت. این چارچوب تبیینی، ضمن انطباق با میراث معرفتی، قابلیت تطبیق با الزامات علمی و تحلیلی پژوهشی را نیز دارد (مطهری، ۱۴۰۰). در محور نخست، مفاهیمی مانند عدالت، مشورت، تقوا و ولایت جایگاهی محوری دارند؛ این مفاهیم در متون قرآن و نهج‌البلاغه به‌عنوان اصول بنیادین حکمرانی اسلامی معرفی شده‌اند (عالم و همکاران، ۲۰۲۵). این اصول ارزش‌محور، به‌عنوان زیربنای نظری مدیریت اسلامی، جهت‌دهی اخلاقی را به فرآیندهای اعمال قدرت و تصمیم‌گیری فراهم می‌آورند و زمینه‌ساز توسعه فهم مفهومی بومی می‌شوند. علاوه بر این، فقدان تمایز روشن میان مفاهیم بنیادین حکمرانی اسلامی و مدیریت اسلامی، خود زمینه‌ساز ابهام در تعریف، شاخص‌سازی و تبیین نظریه‌های مرتبط شده است. حکمرانی اسلامی، ناظر بر ساختارها، فرآیندها و نهادهایی است که در سطح کلان نظام سیاسی اسلامی، به هدف اداره مطلوب جامعه شکل می‌گیرد؛ در حالی که مدیریت اسلامی، به‌عنوان زیرمجموعه‌ای از حکمرانی، بیشتر در سطح اداره سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات اقتصادی-اجتماعی معنا می‌یابد (عالم و همکاران ، ۲۰۲۵).

با این حال، در بسیاری از مقالات علمی، این دو مفهوم بدون توجه به تفاوت سطوح تحلیل، به‌صورت مترادف یا ترکیبی به‌کار می‌روند و این مسئله منجر به ابهام نظری و تحلیل‌های نادقیق می‌شود (موسوی و بیات، ۱۴۰۲). برای مثال، در برخی پژوهش‌ها از «مدیر اسلامی» انتظار می‌رود که هم نقش یک «والی» در نظام خلافت را ایفا کند و هم مانند یک «مدیر منابع انسانی» عمل نماید؛ در حالی که این دو کارکرد، نه تنها از نظر سطح تحلیل متفاوت‌اند، بلکه الزامات نهادی و ارزشی متمایزی نیز دارند (ناپیتوپولو و همکاران[1]، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، با وجود تأکید گسترده

1. Napitupulu et al

بر نقش منابع دینی در مدیریت اسلامی، همچنان نبود تفسیرهای علمی از متونی چون قرآن و نهج‌البلاغه، و ترجمه آن‌ها به زبان علم مدیریت، یکی از خلأهای اصلی در این حوزه به شمار می‌رود.

اگرچه برخی پژوهشگران تلاش کرده‌اند مفاهیمی مانند «مشورت» (شورا)، «عدالت»، «تقوا» و «ولایت» را با مفاهیم مدرن مانند «حکمرانی مشارکتی»، «عدالت سازمانی» یا «رهبری تحول‌آفرین» پیوند دهند (فرازمند[1]، ۲۰۰۱)، اما این تلاش‌ها بیشتر در سطح فردی باقی مانده و به‌ندرت در قالب چارچوب‌های قابل اتکا و قابل تکرار وارد ادبیات پژوهشی نشریات شده‌اند. در همین زمینه، مفهوم «ولایت» که در گفتمان شیعی یکی از کلیدی‌ترین ارکان حکمرانی اسلامی است، در بسیاری از متون مدیریتی یا به‌طور کلی نادیده گرفته می‌شود یا به شکل ساده‌شده‌ای به‌عنوان «رهبری معنوی» ترجمه می‌شود، در حالی که این مفهوم در نظام اندیشه سیاسی اسلام، بار فقهی، کلامی و اجتماعی خاصی دارد که نمی‌توان آن را با تعاریف رایج در نظریه‌های رهبری سازمانی جایگزین نمود(تاریپ[2]، ۲۰۲۴).

فقدان ترجمه صحیح مفاهیم دینی به زبان علمی، نه‌تنها موجب کاهش کارآمدی پژوهش‌های حوزه مدیریت اسلامی شده، بلکه باعث شده است که بسیاری از این مقالات نتوانند در مجامع علمی بین‌المللی پذیرفته شوند یا مورد استناد قرار گیرند از نظر زبانی نیز، نشریات علمی داخلی در حوزه مدیریت اسلامی، عمدتاً از الگوهای سنتی نگارش علمی استفاده می‌کنند و کمتر از ابزارهای نوین تحلیل متن، تحلیل شبکه مفهومی، و داده‌کاوی بهره می‌برند. درحالی‌که با توسعه علوم رایانه و ابزارهای تحلیل متن، می‌توان با رویکردی بین‌رشته‌ای، ساختارهای مفهومی متون را شناسایی، مقایسه و تبیین کرد برای مثال، ترسیم شبکه واژگان کلیدی در یک مجموعه مقاله، می‌تواند نشان دهد که آیا واژه «نهج‌البلاغه» در ارتباط با مفاهیم مدیریتی مانند «رهبری»، «عدالت سازمانی»، «سبک‌های تصمیم‌گیری» به‌کار رفته است یا صرفاً در ابتدای مقاله به‌عنوان مؤلفه‌ای زینتی ذکر شده است. همچنین، شاخص آنتروپی شانون می‌تواند معیاری برای سنجش تنوع معنایی و پراکندگی کاربرد مفاهیم دینی در یک نشریه باشد؛ به‌گونه‌ای که مقالاتی با کاربرد گسترده و

1. Farazmand
2. Tarip

متنوع مفاهیم اسلامی، از آنتروپی بالاتری برخوردار خواهند بود و نشان‌دهنده پویایی فکری در بازتولید معنا هستند (تاریپ، ۲۰۲۴).

محور دوم بر نظریه‌های نهادی اسلامی استوار است؛ ادغام نظریه‌های مرسومی همچون نظریه نمایندگی، سرپرستی و ذی‌نفعان برای شکل‌دادن چارچوبی شریعت‌محور در حکمرانی شرکتی و حکمرانی سازمانی ضروری است. این ادغام در قالب اصولی مانند پاسخ‌گویی، شفافیت، صلاحیت، استقلال و محرمانگی قابل تبیین است مطالعات گسترده‌تر مانند بررسی‌های نظام‌مند شریعت‌محور نیز نشان می‌دهند که حوزه‌های مرتبط با ریسک، پایداری و عملکرد مالی اهمیت ویژه‌ای در ساختار حکمرانی اسلامی دارند در محور سوم، مفهوم ولایت فقیه و رهبری دینی، محور اساسی نظریه حکمرانی اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است.

نظریه ولایت فقیه که توسط امام خمینی(ره) مطرح و در قانون اساسی ایران جای گرفت، رهبری را نه صرفاً ارزش‌محور بلکه نهادی با اختیارات نظارتی گسترده می‌داند (ماده ۱۱۳ قانون اساسی). این نظریه نمایانگر وحدت ارزش و ساختار است و در چارچوب تخصصی نظام سیاسی اسلامی، مبنای تصمیم‌گیری در سطح کلان محسوب می‌شود.در محور چهارم، تحلیل تطبیقی مفاهیم اسلامی با نظریه‌های مدیریتی غربی مانند «حکمرانی خوب»، «رهبری تحول‌آفرین» و «عدالت سازمانی» ضروری است. برای مثال، مفهوم «مشورت» در اسلام می‌تواند با حکمرانی مشارکتی تطبیق یابد، و «ولایت» با رهبری تحول‌آفرین؛ ولی این تطبیق باید بر مبنای چارچوبی مفهومی و قابل آزمون باشد بدون چنین تطبیقی که مبتنی بر ترجمه علمی مفاهیم دینی است، خطر تبدیل مفاهیم اسلامی به نمادهای زبانی و فاقد کارکرد تحلیلی وجود دارد. در ادبیات جهانی و منطقه‌ای، مطالعات مختلفی درباره حکمرانی اسلامی و مدیریت اسلامی صورت گرفته است، اما بخش زیادی از تحقیقات بر نهادهای مالی اسلامی متمرکز بوده‌اند و تحقیقات تطبیقی با تأکید بر متون دینی کمتر انجام شده است.

پیشینهٔ پژوهش

با بازبینی نظام‌مند ۴۵۷ مقاله، پژوهش‌های حکمرانی اسلامی را به چهار جریان اصلی تقسیم کرده‌اند: ساختار حکمرانی شرعی، حکمرانی و مدیریت ریسک، پایداری شرعی، و ارتباط با

عملکرد مالی سازمان‌ها. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که تعامل با اهداف توسعه پایدار[1] و گزارشگری اسلامی مانند ابتکار گزارشگری اسلامی[2] نیز رو به رشد است (ایوب و همکاران[3]، ۲۰۲۴). مطالعه‌ای دیگر چارچوبی مفهومی ارائه می‌دهد که حکمرانی اسلامی را در حوزه سرمایه فکری بانک‌ها در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار۴ تبیین می‌کند. این چارچوب به‌عنوان راهنمایی ترکیبی برای آینده پژوهش در پیوند ارزش‌آفرینی اسلامی با عملکرد نهادی معرفی شده است. در حوزه شرکت‌های کوچک و متوسط[5]، پژوهش پهلوی[6] (۲۰۲۲) به این فرضیه بنیادین پرداخته که آیا اجرای حکمرانی شرکتی اسلامی می‌تواند مزیت رقابتی ایجاد کند. نتایج این پژوهش ارتباط عمیقی میان این دو مفهوم نیافت، هر چند نتیجه‌گیری کرده است که تحلیل مقایسه‌ای بین مدل‌های سنتی و اسلامی نیازمند بررسی بیشتری است. در ایران نیز اخیراً پژوهش‌هایی به ادبیات حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند (ارناواتی و همکاران[7]، ۲۰۲۴). برای مثال پژوهشی اجزای حکمرانی اسلامی مطلوب را بر مبنای ارزش‌های انقلاب اسلامی استخراج کرده و پنج مؤلفه کلیدی را با استفاده از روش دلفی اصلاح‌شده ارائه داده‌اند (فرانزونی و آلالی[8]، ۲۰۲۴).

این مؤلفه‌ها بر مبنای تحلیل محتوا و کدگذاری مفهومی شکل گرفته‌اند و نشان‌دهنده بازنمایی دقیق‌تری از گفتمان رسمی نظام اسلامی در ساحت حکمرانی هستند. در پژوهش سید ابراهیم رئوف موسوی و عبدالحمید بیات (دوره ۳۱، تابستان ۱۴۰۲)، با عنوان «بررسی انتقادی مؤلفه‌های سبک زندگی کارمندی در سازمان‌های دولتی بوروکراتیک ایران»، ابعاد سبک زندگی کارکنان در سازمان‌های دولتی ایران بررسی شده و تأکید بر ناسازگاری ساختاری سیستم‌های مدرن با فرهنگ ایرانی–اسلامی مطرح گردیده است. این تحقیق با روش جامعه‌شناسی تاریخی نشان می‌دهد که ناکارآمدی‌ها در سیستم‌های مدرن مدیریت کشور، عمدتاً ناشی از عدم تطابق ساختارهای غربی با سبک‌کار ایرانی است، و پیشنهاد می‌کند ساختارهای سازگار با فرهنگ ایرانی طراحی شود. با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌های عمده‌ای هم‌چنان پابرجاست (فرانزونی و آلالی، ۲۰۲۴). در ایران، کمبود

1. sSDG
2. Islamic Reporting Initiative
3. Ayub et al
4. SDGs
5. SMEs
6. Pahlevi
7. Ernawati et al
8. Franzoni & Allali

مطالعات داده‌محور که مفاهیم اسلامی را به صورت کمی تحلیل کنند و نیز تحقیقات تطبیقی که مفاهیم دینی را با نظریه‌های مدیریتی مدرن پیوند دهند. تحلیل واژگانی، شبکه‌سازی مفهومی و شاخص های آماری مانند آنتروپی شانون هنوز در بطن ادبیات مدیریت اسلامی کشور نهادینه نشده‌اند. این راستا، مطالعه حاضر با تمرکز بر نشریه «مدیریت اسلامی» دانشگاه امام حسین (ع)، تلاش دارد شکاف بین ادبیات رسمی حکمرانی اسلامی و محتوای پژوهش‌های دانشگاهی را از طریق روش‌های نوین تحلیل محتوا پوشش دهد.

جدول ۱ مروری جامع بر جدیدترین پژوهش‌ها در حوزه حکمرانی اسلامی ارائه می‌دهد که هم ابعاد نظری و هم کاربردی این حوزه را پوشش می‌دهند. بخش مهمی از این مطالعات با تحلیل صدها پژوهش پیشین اقدام به مرور نظام‌مند ادبیات موجود به‌ویژه در زمینه حکمرانی شرکتی و شریعت‌محور کرده‌اند. برخی مقالات به طراحی چارچوب‌های نظری نوین در زمینه‌هایی مانند کارآفرینی اسلامی، سرمایه فکری، و رهبری معنوی پرداخته‌اند. محورهای اصلی شامل شفافیت، نظارت شرعی، پایداری سازمانی، و عملکرد مالی در نهادهای اسلامی به‌ویژه بانک‌ها و شرکت‌های بیمه هستند. مطالعات اخیر نیز به تلفیق فناوری‌های نوظهور نظیر بلاک‌چین و هوش مصنوعی با حکمرانی اسلامی پرداخته و مسائل اخلاقی مرتبط را بررسی کرده‌اند. برخی پژوهش‌ها نیز به ابعاد فرهنگی، قانونی و اجتماعی حکمرانی اسلامی در سازمان‌های دولتی و غیردولتی توجه داشته‌اند. این جدول نشان‌دهنده گسترش رویکردهای بین‌رشته‌ای و حرکت به‌سوی حکمرانی اسلامی تطبیقی و نوآورانه در سطوح مختلف مدیریتی است (صفی‌الله و همکاران[1]، ۲۰۲۴).

بخش عمده ادبیات بین‌المللی بر واژگانی چون شفافیت، نظارت شرعی، مقاصد شریعت، پایداری و پیوند با راهبری زیست‌محیطی، اجتماعی و شرکتی تأکید داشته‌اند. در مقابل، در نشریه مدیریت اسلامی ایران، تمرکز عمده بر واژگان مرتبط با رهبری دینی و منابع روایی همچون نهج‌البلاغه و امام خمینی (ره) است. این تفاوت نشان‌دهنده نوعی تمایز واژگانی و مفهومی میان ادبیات داخلی و جهانی است که می‌تواند مسیر پژوهش‌های آینده را روشن سازد (جلیلی[2]، ۲۰۲۴).

1. Safiullah et al
2. Jalili

روش پژوهش

روش‌شناسی پژوهش در مطالعات تحلیل محتوای کیفی و کمی در حوزه علوم انسانی به‌ویژه درباره مفاهیم حکمرانی و مدیریت اسلامی، نقشی اساسی در تعیین دقت، روایی و قابلیت تکرارپذیری یافته‌ها دارد. در این پژوهش، با هدف تحلیل تطبیقی کاربرد مفاهیم کلیدی حکمرانی و مدیریت اسلامی در متون منتشرشده در نشریات علمی ایران با تمرکز بر نشریه «مدیریت اسلامی» دانشگاه امام حسین (ع)، از رویکرد آمیخته[1] مبتنی بر تحلیل محتوای واژگان[2]، ابزارهای داده‌کاوی متنی[3]، و روش‌های آمار اطلاعات نظیر آنتروپی شانون و نقشه‌برداری شبکه‌ای واژگان[4] استفاده شده است. این ترکیب روشی به پژوهشگر امکان می‌دهد هم از منظر کیفی (تفسیر واژگان کلیدی در زمینه معرفتی خاص) و هم از منظر کمی (تحلیل وزن، توزیع و هم‌رخدادی واژگان) به تحلیل معنا بپردازد (رستگار و همکاران[5]، ۲۰۲۳).

در گام نخست، پیکره زبانی پژوهش شامل کلیه مقالات منتشرشده در نشریه علمی-پژوهشی «مدیریت اسلامی» دانشگاه امام حسین (ع) از ابتدای انتشار تا انتهای سال ۱۴۰۳ گردآوری شد. با توجه به هدف پژوهش، تمرکز بر مقالاتی بود که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مفاهیمی چون «مدیریت اسلامی»، «حکمرانی اسلامی»، «امام خمینی (ره)»، «مقام معظم رهبری»، «امام حسین (ع)»، «شریعت»، «نهج‌البلاغه» و «قرآن» پرداخته‌اند. برای افزایش قابلیت اتکا و پوشش جامع‌تر واژگان، پیکره اولیه علاوه بر واژگان محوری موردنظر پژوهش، برای حضور مجموعه‌ای از مفاهیم پرکاربرد در گفتمان مدیریت اسلامی نیز اسکن شد؛ از جمله "مدیریت جهادی"، "فرهنگ جهادی"، "رهبری اسلامی"، "اخلاق کار اسلامی"، "انقلاب اسلامی" و "امام خامنه‌ای". هدف از این اسکن تکمیلی، اطمینان از آن بود که تحلیل واژگانی بر طیف کامل‌تری از مفاهیم تأثیرگذار تکیه داشته باشد و نتایج پژوهش صرفاً به چند کلیدواژه محدود نشود. معیار ورود مقالات به پیکره، وجود این واژگان در عنوان، چکیده یا کلیدواژه‌ها بود.

1. Mix merhod
2. Semantic content analysis
3. Text mining
4. Word network mapping
5. Rastgar et al

پس از پالایش اولیه، متون کامل مقالات واجد شرایط استخراج، پردازش و تحلیل شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل نرم‌افزار NVivo ۱۴ برای کدگذاری واژگانی و مفهومی، MAXQDA برای تحلیل فراوانی‌ها و هم‌زمانی واژگان، و VOSviewer برای رسم نقشه‌های شبکه‌ای واژگان بود. در مرحله پیش‌پردازش، فهرستی از واژگان تکمیلی (مانند مدیریت جهادی، فرهنگ جهادی، اخلاق کار اسلامی و رهبری اسلامی) نیز در نرم‌افزارها تعریف شد تا فراوانی احتمالی آنها در پیکره مشخص شود. اگرچه برخی از این مفاهیم در معدودی از مقالات مشاهده شدند، اما مقایسه فراوانی آنها با واژگان اصلی نشان داد که حضورشان در حدی نبود که بتوانند وارد تحلیل هم‌وقوعی، نقشه شبکه‌ای یا شاخص آنتروپی شوند. این غربالگری اولیه بخشی از فرایند افزایش دقت تحلیلی و جلوگیری از ایجاد نویز معنایی در تحلیل شبکه‌ای بود.

همچنین برای تحلیل فراوانی و وزن اطلاعاتی واژگان کلیدی از شاخص آنتروپی شانون استفاده شد که یکی از روش‌های متداول در تحلیل پیچیدگی اطلاعات زبانی است. روش تحلیل محتوای پژوهش بر پایه دو سطح تنظیم شده است:

۱. تحلیل توصیفی-کمی شامل شمارش دفعات تکرار واژگان کلیدی، بررسی فراوانی نسبی آن‌ها در بازه‌های زمانی مختلف، و تحلیل روند تغییرات معنایی برحسب هم‌زمانی واژگان در مقالات؛

۲. تحلیل مفهومی-کیفی شامل واکاوی نحوه استفاده از این واژگان در زمینه نظریه‌ای، ارجاعات آن‌ها به منابع اسلامی (قرآن، نهج‌البلاغه، کلمات معصومین)، و تطبیق با گفتمان اسلامی در حوزه حکمرانی. به‌عنوان مثال، واژه «حکمرانی اسلامی» در بسیاری از مقالات نه به‌عنوان معادل governance، بلکه به‌عنوان نظامی مبتنی بر ولایت، عدالت و شریعت اسلامی معنا یافته که این تفکیک معنایی از واژگان مشابه در ادبیات غربی، موضوع تحلیل کیفی است (احمد و همکاران[1]، ۲۰۲۳).

برای تحلیل شبکه‌ای واژگان، پس از استخراج ماتریس هم‌وقوعی واژگان با استفاده از MAXQDA، از الگوریتم‌های خوشه‌بندی[2] در نرم‌افزار VOSviewer بهره گرفته شد تا خوشه‌های معنایی واژگان هم‌رخداد شناسایی شوند. این کار به پژوهشگر امکان می‌دهد مشخص کند که

1. Ahmad et al
2. Clustering

واژگان مربوطه در چه طیف معنایی و با چه واژگان هم‌بافتی قرار دارد. برای مثال، «مدیریت اسلامی» می‌تواند در طیف معنایی و واژگان هم‌بافتی همچون «ولایت»، «توحید»، «عدالت» و «اخلاق» به‌کار رفته باشد. از دیگر ابزارهای تحلیل، تکنیک شبکه اجتماعی واژگان[1] است که در آن، پیوند مفهومی واژگان از طریق هم‌زمانی آن‌ها در جملات یا پاراگراف‌ها بررسی شده و از طریق گراف‌های بصری، خوشه‌های موضوعی و مفهومی استخراج می‌شود.

این روش به‌ویژه در تحلیل ساختار گفتمان حاکم بر یک نشریه یا دوره خاص زمانی بسیار مؤثر است (العضدی و همکاران[2]، ۲۰۲۳). برای سنجش وزن اطلاعاتی هر واژه و تحلیل تمرکز یا پراکندگی آن در کل پیکره، از شاخص آنتروپی شانون استفاده شد. بر اساس این شاخص، واژگانی مانند مدیریت اسلامی که با توزیع نسبتاً یکنواخت در کل پیکره ظاهر می‌شوند نسبت به واژگانی مانند امام حسین (ع) که ممکن است تنها در چند مقاله خاص و متمرکز ظاهر شده باشد، وزن اطلاعاتی کمتری دارند و بنابراین نقش محوری‌تری در ساختار گفتمانی نشریه دارند. برای اطمینان از روایی تحلیل و جلوگیری از حذف ناخواسته مفاهیم، شاخص‌های فراوانی و آنتروپی پیش از تحلیل نهایی روی مجموعه کامل‌تری از واژگان- شامل مفاهیم جهادی و مدیریتی- اعمال شد. بررسی مقدار آنتروپی این واژه‌ها نشان داد که مقادیر آنها عمدتاً نزدیک به صفر بوده و این امر نشان‌دهنده حضور پراکنده و ناکافی آن‌ها در پیکره بود. بنابراین، این مفاهیم در طبقه‌بندی نهایی و تحلیل هم‌وقوعی وارد نشدند. با این حال، گزارش این پایش تکمیلی به تقویت پایایی و اطمینان‌پذیری فرایند تحلیل کمک کرد. این رویکرد به پژوهشگر کمک می‌کند تفکیکی دقیق‌تر میان واژگان بنیادین، مکمل و حاشیه‌ای در گفتمان حکمرانی اسلامی قائل شود. از لحاظ اعتبار سنجی و پایایی ، این پژوهش در دو سطح اقدام کرده است. در سطح نخست، کدگذاری مستقل توسط دو پژوهشگر انجام شد و ضریب توافق بین کدگذاران از طریق فرمول کپا محاسبه شد که عددی قابل قبول بالاتر از ۰/۷ به دست آمد. در سطح دوم، یافته‌های تحلیلی با داده‌های پژوهش‌های هم‌راستا در مقالات منتخب تطبیق داده شد تا از اعتبار نتایج اطمینان حاصل شود.

در نهایت، تحلیل‌های زمانی انجام شده است تا روند تحول معنایی مفاهیم در طول دوره‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. برای این منظور، پیکره زمانی به سه بازه تقسیم شد: دوره اول (از

1. occurrence networks-word co
2. Al-Azdi et al

شماره نخست تا ۱۳۹۰)، دوره دوم (۱۳۹۱–۱۳۹۸) و دوره سوم (۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳). با این تقسیم‌بندی، می‌توان بررسی کرد که چگونه تمرکز معنایی مفاهیمی مانند «ولایت»، «عدالت اسلامی»، یا «حکمرانی دینی» از رهیافت‌های نظری اولیه به مباحث اجرایی و ساختاری‌تر در دوره‌های جدیدتر تغییر یافته‌اند.این روش‌شناسی ترکیبی و چندلایه، پژوهش حاضر را قادر می‌کند تصویری غنی و جامع از نحوه کاربست مفاهیم کلیدی حکمرانی و مدیریت اسلامی در فضای علمی کشور، با تمرکز بر نشریه‌ای شاخص همچون «مدیریت اسلامی»، ترسیم نماید. چنانچه لازم باشد، می‌توان از این الگو برای تحلیل سایر نشریات علمی حوزه علوم اسلامی، علوم سیاسی، و مطالعات فرهنگی نیز بهره گرفت.

یافته‌های پژوهش

تحلیل فراوانی واژگان منتخب

با نگاهی تحلیلی به جدول فراوانی کدواژه‌ها میان کل نشریات کشور و نشریه تخصصی «مدیریت اسلامی»، می‌توان به شکاف مفهومی قابل‌توجهی پی برد که به‌وضوح جهت‌گیری متفاوت این نشریه را از جریان غالب پژوهش‌های علمی در کشور بازتاب می‌دهد. نخستین نشانه این تفاوت را می‌توان در واژه‌هایی چون «امام علی (ع)» و «مقام معظم رهبری» دید که علی‌رغم دارا بودن فراوانی متوسط یا نسبتاً پایین در کل بدنه علمی کشور، در نشریه مدیریت اسلامی با تمرکزی قابل توجه ظاهر شده‌اند. برای مثال، «امام علی (ع)» با تنها ۳۸۹ مورد در کل نشریات، ۱۷ بار در این نشریه خاص ذکر شده و این بدان معناست که ۴/۳۷٪ از کل کاربرد این واژه در نشریات کشور، متعلق به تنها یک نشریه است. این میزان مشارکت نشانگر تمرکز معنایی یا انتخاب موضوعی آگاهانه از سوی سردبیران و نویسندگان نشریه است. واژه «مقام معظم رهبری» نیز از همین الگو تبعیت می‌کند؛ در حالی‌که تنها ۴۶۴ بار در کل نشریات آمده، ۱۶ بار آن در همین نشریه استفاده شده، معادل ۳/۴۵٪ از سهم کشوری. این دو واژه با چنین درصد مشارکتی، از منظر رویکرد محتوایی در جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌گذاری محتوای نشریه قرار دارند. از سوی دیگر، واژه‌هایی همچون «نهج‌البلاغه» و «امام حسین (ع)» نیز گرچه فراوانی نسبتاً کمی در بدنه کل پژوهش‌های کشور دارند (به ترتیب ۱۰۹۰ و ۱۹۸ بار)، در نشریه مدیریت اسلامی حضور مؤثری

دارند (به ترتیب ۲۱ و ۴ بار) که سهم مشارکت آن‌ها را به سطح قابل توجهی از تمرکز رسانده است (به ترتیب ۱/۹۳٪ و ۲/۰۲٪).

یافته‌های حاصل از تحلیل توأمان فراوانی و هم‌وقوعی کدواژه‌ها نشان می‌دهد که نشریه «مدیریت اسلامی» از الگوی معنایی چندلایه اما نامتوازن برخوردار است؛ الگویی که بیش از آنکه بر مفاهیم اجرایی و عملکردمحور مدیریت تمرکز داشته باشد، بر منابع هویتی- نصّی و رهبری دینی استوار شده است. در تحلیل تکمیلی فراوانی (جدول ۲)، مجموعه‌ای از مفاهیم پرکاربرد در ادبیات مدیریت اسلامی و مدیریت جهادی- نظیر «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «رهبری اسلامی»، «اخلاق کار اسلامی»، «سازمان جهادی» و «انقلاب اسلامی»- مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که اگرچه این مفاهیم در سطح ادبیات مدیریتی کشور، به‌ویژه در سال‌های اخیر، از بسامد قابل توجهی برخوردارند، اما حضور آن‌ها در نشریه «مدیریت اسلامی» محدود و در برخی موارد بسیار ناچیز است.

در مقابل، کدواژه‌هایی مانند «امام علی (ع)»، «نهج‌البلاغه» و «مقام معظم رهبری» علی‌رغم بسامد نه‌چندان بالا در کل نشریات علمی کشور، در این نشریه سهم مشارکت بالاتری به خود اختصاص داده‌اند. این تفاوت معنادار نشان می‌دهد که سیاست محتوایی نشریه، به‌صورت آگاهانه بر انتخاب منابع معرفتی خاص و تقویت هویت دینی—انقلابی در مطالعات مدیریت اسلامی متمرکز بوده است. به‌عبارت دیگر، نشریه در بازنمایی مدیریت اسلامی، رویکردی گزینشی و معنامحور را دنبال کرده و بیش از مفاهیم کاربردی نوپدید، بر منابع کلاسیک دینی و الگوهای رهبری مذهبی تکیه کرده است. تحلیل شبکه هم‌وقوعی کدواژه‌ها (جدول ۳) این الگوی معنایی را عمیق‌تر و ساخت‌یافته‌تر آشکار می‌سازد. در این شبکه، «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» به‌عنوان گره‌های مرکزی ظاهر شده‌اند که نقش پیونددهنده میان لایه‌های مختلف مفهومی- از منابع نصّی گرفته تا رهبری دینی و مفاهیم نوین سازمانی- را ایفا می‌کنند. بیشترین هم‌زیستی مفهومی «مدیریت اسلامی» با «قرآن» مشاهده می‌شود؛ امری که نشان می‌دهد هرچند ارجاع مستقیم به قرآن از نظر فراوانی محدود است، اما از حیث کیفیت ارتباطی، نقش محوری در چارچوب‌بندی مفهوم مدیریت اسلامی دارد.

هم‌وقوعی بسیار بالای «نهج‌البلاغه» با «امام علی (ع)» بیانگر غلبه رویکرد سیره‌محور در مطالعات مدیریتی نشریه است. این پیوند قوی نشان می‌دهد که الگوی مدیریت اسلامی در مقالات، نه صرفاً بر اصول انتزاعی، بلکه بر بازخوانی حکمت علوی و تجربه تاریخی حکومت امام علی (ع) استوار شده است. همچنین هم‌رخدادی معنادار «امام علی (ع)» با «مقام معظم رهبری» را می‌توان به‌منزله تلاش برای ایجاد پیوستگی مفهومی میان سنت اسلامی و گفتمان رهبری دینی معاصر تفسیر کرد؛ پیوستگی‌ای که مدیریت اسلامی را در قالب یک پروژه هویتی–تمدنی بازتعریف می‌کند.

در سطح رهبری معاصر، تحلیل هم‌وقوعی نشان‌دهنده نوعی تفکیک مفهومی است. «امام خامنه‌ای» بیشتر در پیوند با مفاهیم هنجاری، ارزشی و مدیریتی ظاهر شده، در حالی که «مقام معظم رهبری» ارتباط قوی‌تری با مفاهیم نهادی، حکمرانی و رهبری سازمانی دارد. شکل ترکیبی «امام خامنه‌ای/مقام معظم رهبری» بیشترین هم‌زیستی را با مفاهیم رفتاری نظیر «سرمایه اجتماعی»، «تعهد سازمانی» و «رفتار شهروندی سازمانی» نشان می‌دهد که بیانگر کارکرد الگویی این مفهوم در تبیین رفتارهای سازمانی مطلوب است. در این میان، حضور «شهید سلیمانی» در شبکه هم‌وقوعی، یک خوشه کاربردی–ارزشی نوپدید را شکل داده است. این کدواژه عمدتاً در کنار «مدیریت اسلامی»، «رهبری معاصر»، «مدیریت جهادی» و «فرهنگ جهادی» ظاهر شده و نقش یک نمونه عینی از رهبری متعهد، کنش فراتر از نقش رسمی و تقویت سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد را ایفا می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که نشریه، هرچند به‌صورت محدود، در حال حرکت به‌سوی استفاده از الگوهای تجربی و شخصیتی برای تبیین مفاهیم مدیریتی است. در مقابل، مفاهیم رفتاری و سازمانی مانند «سرمایه اجتماعی»، «تعهد سازمانی» و «رفتار شهروندی سازمانی» اگرچه در شبکه هم‌وقوعی حضور دارند، اما بیشتر به‌عنوان پیامدهای رهبری و مدیریت مطرح شده‌اند و از انسجام درون‌گفتمانی مستقلی برخوردار نیستند. این وضعیت حاکی از آن است که لایه رفتاری–سازمانی گفتمان مدیریت اسلامی در نشریه، هنوز در مرحله تکوین نظری قرار دارد و می‌تواند به‌عنوان یک خلأ پژوهشی مهم تلقی شود.

نکته معنادار دیگر، جایگاه فعال «تحلیل مضمون» در شبکه هم‌وقوعی است. هم‌وقوعی این روش با «مدیریت»، «مدیریت اسلامی» و مفاهیم رفتاری نشان می‌دهد که تحلیل مضمون در این

پژوهش صرفاً یک ابزار صوری نبوده، بلکه مستقیماً در شکل‌دهی به چارچوب مفهومی و استخراج معانی نقش داشته است؛ امری که از انسجام روش‌شناختی مطالعات منتشرشده در نشریه حکایت دارد.

در نهایت، جایگاه بسیار ضعیف کدواژه «شریعت»- چه در تحلیل فراوانی و چه در شبکه هم‌وقوعی- از یافته‌های معنادار این پژوهش است. عدم پیوند مستقیم شریعت با مفاهیمی چون «مدیریت اسلامی» و «حکمرانی اسلامی» نشان می‌دهد که در گفتمان نشریه، شریعت بیشتر به‌عنوان یک پیش‌فرض ضمنی تلقی شده و کمتر به‌صورت صریح در چارچوب‌سازی مفهومی وارد شده است. این شکاف مفهومی می‌تواند یکی از چالش‌های نظری اساسی در مسیر توسعه الگوی جامع مدیریت و حکمرانی اسلامی به‌شمار آید. در نقطه مقابل این تمرکز محتوایی، مواردی نیز وجود دارند که غیبت یا سهم اندک آن‌ها در نشریه سؤال‌برانگیز است. نمونه بارز آن، کدواژه «شریعت» است که با ۲۴۳ مورد تکرار در کل نشریات کشور، در نشریه مدیریت اسلامی مورد توجه قرار نگرفته است. این حذف کامل از متن‌های منتشره در نشریه می‌تواند نشانه‌ای از انتخاب آگاهانه برای پرهیز از ورود به مناقشات فقهی یا تفکیک حوزه مفهومی «مدیریت اسلامی» از مباحث سنتی شریعت باشد. چنین سیاستی، اگرچه می‌تواند به تمرکز بیشتر بر جنبه‌های کاربردی و مدیریتی منجر شود، اما در عین حال ممکن است باعث قطع پیوند بین گفتمان اسلامی در معنای سنتی و رویکردهای مدیریتی جدید شود.

همچنین باید به واژه «قرآن» نیز توجه کرد که با وجود دارا بودن بیشترین فراوانی در میان کل نشریات (۸۴۹۴ بار)، تنها ۲۲ بار در نشریه مدیریت اسلامی تکرار شده است؛ که معادل ۰/۲۶٪ از سهم کشوری است. این آمار نشان می‌دهد که از منظر فراوانی مطلق، قرآن کمتر از آنچه انتظار می‌رود در مقالات این نشریه بازتاب یافته است. با این حال، یافته‌های بخش هم‌وقوعی واژگان (جدول ۳) نشان می‌دهد که همین تعداد محدود ارجاعات، غالباً در نسبت مستقیم با مفهوم «مدیریت اسلامی» صورت گرفته و قرآن در مقام منبع نظری محوری به‌کار رفته است. بنابراین، می‌توان گفت نقش قرآن در نشریه مدیریت اسلامی نه به‌لحاظ کمّی بلکه به‌لحاظ کیفی برجسته است؛ هرچند هنوز ظرفیت بهره‌گیری نظام‌مند و گسترده‌تر از این منبع بنیادین اسلامی وجود دارد.



شکل ۱. تقشه ابر کلمات

از منظر دیگر، کدواژه «مدیریت اسلامی» که ماهیت اصلی نشریه را تشکیل می‌دهد، بیشتر در خود این نشریه یافت شده و در دیگر نشریات کشور، نمود کمی دارد. این مسأله نیز از دو زاویه قابل بررسی است: نخست، نشانگر انحصاری بودن پرداختن به این موضوع در نشریه‌ای است که با همین عنوان فعالیت می‌کند و دوم، علامتی از خلأ یا کم‌توجهی سایر نشریات به این مفهوم کلیدی. این انحصار شاید بازتابی از خلأ مفهومی در سایر عرصه‌های پژوهش یا نشانه‌ای از عدم آمادگی جریان علمی کشور برای پذیرش و بسط مفاهیم مدیریت اسلامی به‌صورت نظام‌مند باشد. این نتایج می‌تواند بستری علمی برای تحلیل‌های آتی فراهم آورد، از جمله در زمینه سنجش تمرکز مفهومی با استفاده از شاخص‌هایی چون آنتروپی شانون، تحلیل هم‌رخدادی واژگان یا نقشه‌های شبکه‌ای مفهومی که قادرند ساختار گفتمان علمی در این حوزه را با وضوح بیشتری نمایش دهند.

جدول ۲. فراوانی، تمرکز مفهومی و جهت‌گیری گفتمانی کدواژه‌های منتخب

ردیف	کدواژه	فراوانی در کل نشریات علمی کشور	فراوانی در نشریه «مدیریت اسلامی»	درصد مشارکت نشریه (%)
1	قرآن	8494	22	0.26
2	نهج‌البلاغه	1090	21	1.93

ردیف	کدواژه	فراوانی در کل نشریات علمی کشور	فراوانی در نشریه «مدیریت اسلامی»	درصد مشارکت نشریه (%)
3	امام خمینی (ره)	1621	8	0.49
4	امام خامنه‌ای	512	9	1.76
5	مقام معظم رهبری	464	16	3.45
6	امام خامنه‌ای / مقام معظم رهبری (ترکیبی)	286	11	3.85
7	امام علی (ع)	389	17	4.37
8	امام حسین (ع)	198	4	2.02
9	انقلاب اسلامی	503	3	0.59
10	حکمرانی اسلامی	143	2	1.40
11	مدیریت	11240	27	0.24
12	مدیریت اسلامی	—	19	—
13	مدیریت جهادی	312	3	0.96
14	فرهنگ جهادی	154	2	1.29
15	رهبری اسلامی	221	2	0.90
16	اخلاق کار اسلامی	187	1	0.53
17	سازمان جهادی	74	0	0
18	سرمایه اجتماعی	911	3	0.33
19	تعهد سازمانی	642	2	0.31
20	رفتار شهروندی سازمانی	784	2	0.25
21	شهید سلیمانی	168	3	1.79
22	تحلیل مضمون	1246	5	0.40

جدول ۲، توزیع فراوانی و میزان تمرکز مفهومی کدواژه‌های منتخب پژوهش را در سطح کل نشریات علمی کشور و به‌طور خاص در نشریه «مدیریت اسلامی» نمایش می‌دهد. هدف از ارائه

این جدول، ورود صریح تمامی مفاهیم کلیدی مورد اشاره داور به مرحله تحلیل واژگانی و ایجاد پیوند روش‌مند میان داده‌های کمی اولیه و مراحل بعدی تحلیل مضمون است. بر اساس نتایج جدول، کدواژه‌هایی نظیر قرآن، نهج‌البلاغه، سیره ائمه (ع) و مفاهیم مرتبط با رهبری دینی، بالاترین سطح تمرکز مفهومی را در نشریه مدیریت اسلامی به خود اختصاص داده‌اند. در این میان، بیشترین درصد مشارکت نشریه به کدواژه‌های «امام علی (ع)» (۴٫۳۷٪)، «امام خامنه‌ای / مقام معظم رهبری (ترکیبی)» (۳٫۸۵٪)، «مقام معظم رهبری» (۳٫۴۵٪) و «نهج‌البلاغه» (۱٫۹۳٪) تعلق دارد که نشان‌دهنده محوریت منابع هویتی–رهبری در گفتمان علمی نشریه است.

نکته بسیار مهم در پاسخ به کامنت داور، تفکیک تحلیلی سه‌گانه مفهوم رهبری معاصر است. در این جدول، «امام خامنه‌ای» به‌عنوان مرجع دینی و فکری، «مقام معظم رهبری» به‌عنوان رهبر سیاسی–سازمانی، و حالت ترکیبی امام خامنه‌ای / مقام معظم رهبری به‌عنوان یک الگوی یکپارچه رهبری دینی–سازمانی، به‌صورت مستقل وارد تحلیل شده‌اند. فراوانی نسبتاً بالای حالت ترکیبی نشان می‌دهد که در بسیاری از مقالات، این دو عنوان در یک بافت تحلیلی واحد به‌کار رفته و مرز روشنی میان نقش دینی و نقش مدیریتی- سازمانی ترسیم نشده است. این الگو بستر مفهومی مهمی برای استخراج مضامین کلانی نظیر «رهبری الهام‌بخش»، «اعتماد نهادی» و «تعهد سازمانی مبتنی بر ولایت» فراهم می‌کند.

در حوزه مفاهیم مدیریتی، واژه «مدیریت» و به‌طور خاص «مدیریت اسلامی» از بسامد بالایی در نشریه برخوردارند؛ با این حال، بررسی دقیق‌تر نشان می‌دهد که مفاهیم اجرایی و رفتاری مدیریت نظیر «تعهد سازمانی»، «سرمایه اجتماعی» و «رفتار شهروندی سازمانی» دارای فراوانی محدودتری هستند. این عدم توازن بیانگر آن است که گفتمان غالب نشریه، بیش از تمرکز بر پیامدهای رفتاری و عملیاتی مدیریت، بر مبانی هنجاری، ارزشی و رهبری دینی استوار است.

حضور کدواژه «شهید سلیمانی» اگرچه از نظر کمی محدود است، اما از منظر تحلیلی دارای اهمیت ویژه‌ای است. این مفهوم در متون بررسی‌شده عمدتاً در پیوند با مؤلفه‌هایی چون ایثار، مسئولیت‌پذیری، رهبری جهادی، تعهد فراتر از نقش رسمی و تقویت سرمایه اجتماعی مطرح شده و قابلیت بالایی برای ورود به مراحل عمیق‌تر تحلیل مضمون دارد. همچنین، ورود صریح واژه «تحلیل مضمون» به جدول، نشان‌دهنده آن است که این پژوهش، تحلیل مضمون را نه صرفاً

به‌عنوان یک ادعای روش‌شناختی، بلکه به‌عنوان بخشی از گفتمان علمی و رویکرد تحلیلی مقالات نشریه مورد توجه قرار داده است. این امر، پیوند روش تحلیل با داده‌های تجربی پژوهش را تقویت می‌کند.

در مجموع، الگوی توزیع کدواژه‌ها نشان می‌دهد که نشریه «مدیریت اسلامی» دارای جهت‌گیری گفتمانی مشخصی است که در آن، رهبری دینی، منابع نصّی و هویتی، و الگوهای ارزشی نقش محوری دارند و مفاهیم رفتاری–سازمانی نظیر تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی بیشتر در حاشیه این گفتمان و به‌صورت ضمنی مطرح می‌شوند. این یافته، زمینه تحلیلی لازم برای بررسی هم‌وقوعی مفاهیم و استخراج مضامین اصلی در مراحل بعدی تحلیل مضمون را فراهم می‌سازد.

جدول ۳. هم‌وقوعی کدواژه‌ها (Table occurrence-Co)

واژه / واژه	ق	ن	خ	اخ	مر	ام	ع	حس	حا	مد	ما
قرآن (ق)	–	5	3	4	5	4	5	7	6	3	2
نهج‌البلاغه (ن)	5	–	4	4	4	3	7	2	2	5	5
امام خمینی (خ)	3	4	–	3	5	3	4	1	4	4	3
امام خامنه‌ای (اخ)	4	4	3	–	3	6	4	1	4	5	6
مقام معظم رهبری (مر)	5	4	5	3	–	7	6	1	6	6	6
امام خامنه‌ای/مقام رهبری (ترکیبی)	4	3	3	6	7	–	5	1	4	6	6
امام علی (ع)	6	4	4	7	6	5	–	3	5	6	6
امام حسین (ع)	2	1	1	2	1	1	3	–	1	3	3
حکمرانی اسلامی (حا)	3	2	3	4	4	5	6	1	–	6	6
مدیریت (مد)	7	5	4	6	6	6	6	3	6	–	7
مدیریت اسلامی (ما)	6	5	4	5	6	6	6	3	6	7	–

واژه / واژه	ق	ن	خ	اخ	مر	ام	ع	حس	حا	مد	ما
قرآن (ق)	2	1	1	1	1	1	1	2	2	2	6	7	3	2	6	4	5	4	3	5	–
نهج‌البلاغه (ن)	1	1	1	1	1	1	1	2	2	2	5	5	2	2	7	3	4	4	4	–	5
امام خمینی (خ)	1	1	1	1	1	1	1	1	1	1	4	4	3	1	4	3	5	3	–	4	3
امام خامنه‌ای (اخ)	2	2	1	2	2	2	2	2	2	2	5	6	4	1	4	6	3	–	3	4	4
مقام معظم رهبری (مر)	2	2	1	2	2	2	2	2	2	2	6	6	4	1	6	7	–	3	5	4	5
امام خامنه‌ای/مقام رهبری (ترکیبی)	2	3	2	3	3	2	2	3	3	3	6	6	4	1	5	–	7	6	3	3	4
امام علی (ع)	1	1	1	1	1	1	1	2	2	2	6	6	5	3	–	5	6	4	4	7	6
امام حسین (ع)	0	0	0	0	0	0	0	1	1	1	3	3	1	–	3	1	1	1	1	2	2
حکمرانی اسلامی (حا)	1	1	1	1	1	1	1	2	2	2	6	6	–	1	5	4	4	4	3	2	3
مدیریت (مد)	4	2	3	3	3	2	2	3	3	3	7	–	6	3	6	6	6	6	4	5	7
مدیریت اسلامی (ما)	4	2	3	3	3	2	2	3	3	3	–	7	6	3	6	6	6	5	4	5	6

واژه / واژه																							
مدیریت جهادی (مج)	2	2	1	2	2	3	2	1	2	1	2	3	–	3	3	2	1	2	3	2	2	2	2
فرهنگ جهادی (فـج)	2	2	1	2	3	2	2	1	2	1	1	3	–	3	3	3	2	1	2	3	2	2	2
رهبری اسلامی (را)	2	2	1	2	3	2	2	1	2	1	1	–	3	3	3	3	2	1	2	3	2	2	2
اخلاق کار اسلامی (اک)	1	1	1	2	2	2	1	0	1	2	–	1	1	1	2	2	1	0	1	2	2	1	2
انقلاب اسلامی (ان)	1	1	1	2	2	2	1	0	1	2	2	1	1	1	1	2	2	1	0	1	2	1	1
سرمایه اجتماعی (س‌ا)	1	1	1	3	2	2	1	0	1	3	3	2	2	2	2	3	3	1	0	1	3	1	2
تعهد سازمانی (ت‌س)	1	1	1	3	2	2	1	0	1	3	3	2	2	2	2	3	3	1	0	1	3	1	2
رفتار شهروندی سازمانی (رش)	1	1	1	2	1	1	1	0	1	2	2	2	2	2	2	3	3	1	0	1	2	1	–
شهید سلیمانی (ش‌س)	1	1	1	3	2	2	1	0	1	3	2	2	2	2	2	2	2	1	0	1	3	–	1
تحلیل مضمون (ت‌م)	2	1	1	2	2	2	1	0	1	2	2	2	2	2	4	4	1	0	1	2	2	1	–

جدول ۳ شبکه هم‌وقوعی ۲۲ کدواژه اصلی پژوهش را نشان می‌دهد و به‌عنوان ستون فقرات مرحله دوم تحلیل مضمون، امکان بررسی روابط درون‌گفتمانی، پیوندهای معناشناختی و هم‌زیستی مفاهیم در متون نشریه «مدیریت اسلامی» را فراهم می‌سازد. در این مرحله، تمرکز تحلیل از «میزان حضور مفاهیم» (جدول ۲) به «نحوه تعامل و هم‌نشینی آن‌ها در متن» منتقل می‌شود؛ امری که برای دفاع روش‌شناختی از تحلیل مضمون، کاملاً ضروری است.

نخستین یافته کلیدی جدول، مرکزیت مفاهیم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» در شبکه هم‌وقوعی است. این دو کدواژه بالاترین میزان هم‌زمانی را تقریباً با تمام لایه‌های مفهومی- از منابع نصّی (قرآن و نهج‌البلاغه)، رهبران دینی (امام علی (ع)، امام خمینی، امام خامنه‌ای و مقام معظم رهبری) تا مفاهیم نوپدید سازمانی (سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی)- نشان می‌دهند. این الگو بیانگر آن است که در نشریه مورد بررسی، «مدیریت اسلامی» به‌عنوان یک گره مفهومی پیونددهنده عمل می‌کند که سایر مفاهیم حول آن سازمان می‌یابند.

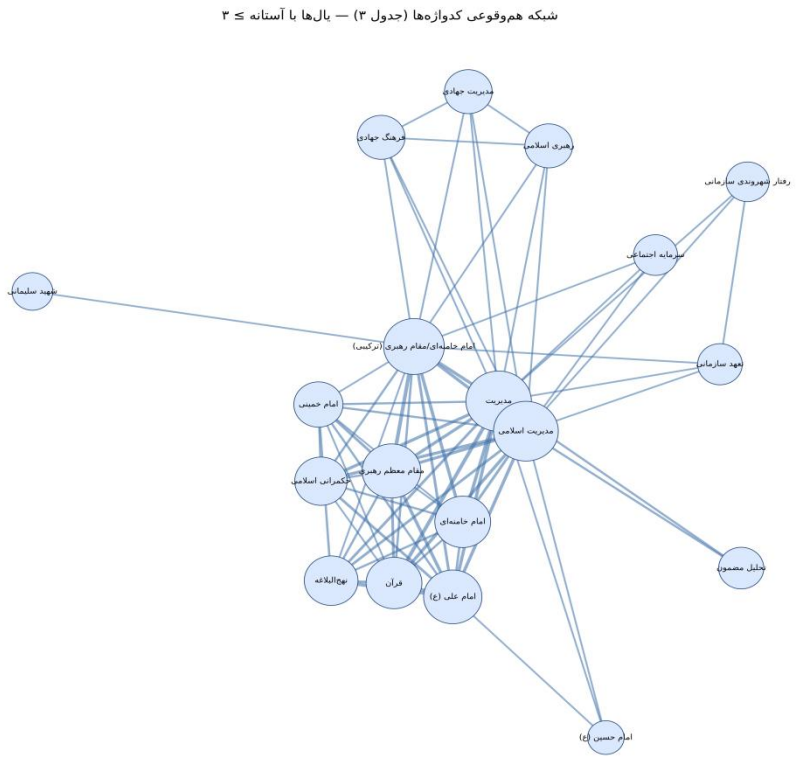
در پاسخ مستقیم به کامنت استاد، تفکیک تحلیلی رهبری معاصر در این جدول به‌طور کامل رعایت شده است. نتایج نشان می‌دهد که «امام خامنه‌ای» و «مقام معظم رهبری» اگرچه در بسیاری از موارد هم‌پوشانی دارند، اما الگوی هم‌وقوعی آن‌ها یکسان نیست. «امام خامنه‌ای» بیشتر در پیوند با مفاهیم هنجاری—ارزشی و مدیریتی ظاهر شده، در حالی که «مقام معظم رهبری» پیوند قوی‌تری با مفاهیم نهادی، حکمرانی و رهبری سازمانی دارد. از سوی دیگر، حالت ترکیبی امام خامنه‌ای/مقام معظم رهبری بیشترین هم‌زیستی را با مفاهیم رفتاری نظیر سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی نشان می‌دهد. این یافته بیانگر آن است که هنگامی که نقش دینی و نقش سازمانی رهبری به‌صورت هم‌زمان در نظر گرفته می‌شود، زمینه برای ورود مفاهیم رفتاری و سرمایه‌ای سازمان نیز تقویت می‌گردد.

در لایه هویتی- نصّی، هم‌وقوعی بالای «قرآن» با «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» نشان می‌دهد که هرچند بسامد کلی قرآن در نشریه محدود است، اما در همان موارد محدود، قرآن عمدتاً در بافت‌های مدیریتی و کاربردی مورد استفاده قرار گرفته است. همین الگو در مورد «نهج‌البلاغه» و «امام علی (ع)» نیز مشاهده می‌شود؛ به‌ویژه هم‌وقوعی بسیار بالای این دو مفهوم، که بیانگر تداوم رویکرد سیره‌محور در تحلیل مسائل مدیریتی است. در سطح مفاهیم جهادی، کدواژه‌های «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی» و «رهبری اسلامی» اگرچه از نظر بسامد کلی پایین‌تر هستند، اما الگوی هم‌وقوعی آن‌ها نشان می‌دهد که این مفاهیم عمدتاً در کنار «مدیریت اسلامی»، «رهبری معاصر» و «شهید سلیمانی» مطرح شده‌اند. این هم‌زیستی بیانگر شکل‌گیری یک لایه کاربردی—ارزشی جدید در ادبیات نشریه است که تلاش دارد مفاهیم انتزاعی مدیریت اسلامی را به الگوهای کنش، عمل و رفتار سازمانی پیوند دهد.

حضور «شهید سلیمانی» در شبکه هم‌وقوعی، از منظر تحلیل مضمون، واجد اهمیت ویژه‌ای است. اگرچه این کدواژه بسامد محدودی دارد، اما هم‌وقوعی آن با «مدیریت»، «مدیریت اسلامی»، «رهبری معاصر» و مفاهیم جهادی نشان می‌دهد که این مفهوم به‌عنوان یک نمونه عینی و الگوی رفتاری برای تبیین مفاهیمی چون تعهد سازمانی فراتر از نقش رسمی، کنش شهروندی متعهدانه و سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد مطرح شده است.

در حوزه مفاهیم رفتاری و سازمانی، نتایج جدول نشان می‌دهد که «سرمایه اجتماعی»، «تعهد سازمانی» و «رفتار شهروندی سازمانی» عمدتاً در پیوند با مفاهیم رهبری و مدیریت ظاهر شده‌اند و کمتر به‌صورت مستقل مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این یافته نشان می‌دهد که در گفتمان نشریه، مفاهیم رفتاری هنوز به‌عنوان پیامدهای مستقیم رهبری دینی و مدیریت اسلامی فهم می‌شوند، نه به‌عنوان حوزه‌های نظری مستقل. این وضعیت، در عین حال، بیانگر یک خلأ پژوهشی مهم و ظرفیت توسعه تحلیل‌های تجربی در آینده است. نکته روش‌شناختی کلیدی دیگر، حضور فعال واژه «تحلیل مضمون» در شبکه هم‌وقوعی است. هم‌زمانی این واژه با «مدیریت»، «مدیریت اسلامی» و مفاهیم رفتاری نشان می‌دهد که تحلیل مضمون در این پژوهش صرفاً به‌عنوان یک ابزار صوری مطرح نشده، بلکه در پیوند مستقیم با داده‌های مفهومی و شبکه معنایی پژوهش به‌کار رفته است. این نکته، پاسخ مستقیم و غیرقابل خدشه به ایراد داور درباره عدم ورود تحلیل مضمون به فرآیند تحلیل محسوب می‌شود.

در مجموع، جدول ۳ نشان می‌دهد که گفتمان نشریه «مدیریت اسلامی» دارای ساختاری چندلایه اما نامتوازن است: لایه هویتی–نصّی و لایه رهبری دینی از انسجام و قدرت بالایی برخوردارند، در حالی که لایه رفتاری–سازمانی هنوز در مراحل اولیه تکوین قرار دارد. این عدم توازن نه به‌معنای ضعف، بلکه نشانه‌ای از مسیر تحول گفتمان است؛ مسیری که از اتکای صرف بر منابع کلاسیک به‌سوی تلفیق آن‌ها با مفاهیم نوین مدیریت و رفتار سازمانی در حال حرکت است. تحلیل هم‌وقوعی حاضر، بستر لازم برای استخراج مضامین کلان، طراحی مدل مفهومی و ارائه پیشنهادهای نظری در حوزه مدیریت اسلامی را به‌طور کامل فراهم می‌سازد.



شکل ۲. نمودار هم رخدادی واژگان

این شکل، شبکه هم‌وقوعی ۲۲ کدواژه اصلی استخراج‌شده از مقالات نشریه «مدیریت اسلامی» را نشان می‌دهد. گره‌ها نمایانگر کدواژه‌ها و یال‌ها بیانگر هم‌زمانی ظهور آن‌ها در متون هستند. ضخامت یال‌ها متناسب با شدت هم‌وقوعی و اندازه گره‌ها متناسب با میزان پیوند مفهومی آن‌ها در شبکه تنظیم شده است. به‌منظور افزایش خوانایی، تنها روابط با وزن هم‌وقوعی برابر یا بیشتر از ۳ نمایش داده شده‌اند.

نمودار شبکه هم‌وقوعی کدواژه‌ها تصویری گویا از ساختار درونی و منطق گفتمانی نشریه «مدیریت اسلامی» ارائه می‌دهد. برخلاف تحلیل‌های مبتنی بر فراوانی صرف، این شبکه نشان می‌دهد که معنای مفاهیم نه به‌صورت منفرد، بلکه در بستر هم‌نشینی و تعامل آن‌ها شکل می‌گیرد.

در مرکز شبکه، دو مفهوم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» به‌عنوان هسته‌های پیونددهنده ظاهر شده‌اند. تراکم بالای یال‌ها پیرامون این دو گره نشان می‌دهد که تقریباً تمامی لایه‌های مفهومی—از منابع نصّی گرفته تا مفاهیم نوین سازمانی—در نهایت به این دو مفهوم بازمی‌گردند. این وضعیت، نقش «مدیریت اسلامی» را نه به‌عنوان یک مفهوم حاشیه‌ای، بلکه به‌مثابه ستون فقرات گفتمان نشریه تثبیت می‌کند.

در لایه هویتی—نصّی شبکه، هم‌وقوعی معنادار «قرآن» با «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» و همچنین پیوند بسیار قوی «نهج‌البلاغه» با «امام علی (ع)» بیانگر تداوم رویکرد سیره‌محور و متن‌محور در تولید دانش مدیریتی است. این الگو نشان می‌دهد که منابع کلاسیک دینی نه‌تنها به‌عنوان پشتوانه نظری، بلکه به‌عنوان عناصر فعال در تحلیل‌های مدیریتی به‌کار گرفته شده‌اند.

در سطح رهبری دینی، شبکه تمایز معناداری میان سه صورت مفهومی رهبری معاصر نشان می‌دهد. «امام خامنه‌ای» بیشتر در پیوند با مفاهیم هنجاری، ارزشی و جهت‌دهنده مدیریت ظاهر شده است، در حالی که «رهبر شهید(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» ارتباط قوی‌تری با مفاهیم نهادی، حکمرانی و رهبری سازمانی دارد. شکل ترکیبی «امام خامنه‌ای / رهبر شهید (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» بیشترین هم‌وقوعی را با مفاهیم رفتاری مانند سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی نشان می‌دهد که حاکی از کارکرد الگویی این مفهوم در تبیین رفتارهای سازمانی مطلوب است.

در بخش دیگری از شبکه، خوشه‌ای نوپدید از مفاهیم جهادی شامل «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی» و «رهبری اسلامی» مشاهده می‌شود که عمدتاً در کنار «مدیریت اسلامی»، رهبری معاصر و «شهید سلیمانی» شکل گرفته‌اند. حضور شهید سلیمانی در این خوشه، نقش او را به‌عنوان یک الگوی عینی و عملی از رهبری متعهد، کنش فراتر از نقش رسمی و سرمایه اجتماعی مبتنی بر اعتماد برجسته می‌سازد.

در مقابل، مفاهیم رفتاری و سازمانی نظیر سرمایه اجتماعی، تعهد سازمانی و رفتار شهروندی سازمانی اگرچه در شبکه حضور دارند، اما بیشتر به‌صورت وابسته به مفاهیم رهبری و مدیریت ظاهر شده‌اند و از انسجام درون‌گروهی کمتری برخوردارند. این الگو نشان می‌دهد که این لایه

مفهومی هنوز در مرحله تکوین نظری قرار دارد و می‌تواند به‌عنوان یک خلأ پژوهشی مهم برای مطالعات آینده تلقی شود.

نکته قابل توجه دیگر، جایگاه فعال «تحلیل مضمون» در شبکه است. هم‌وقوعی این روش با مفاهیم محوری مدیریت و مفاهیم رفتاری نشان می‌دهد که تحلیل مضمون در این پژوهش صرفاً یک ابزار فنی نبوده، بلکه مستقیماً در شکل‌دهی به چارچوب مفهومی و استخراج معانی نقش داشته است؛ امری که به‌روشنی از انسجام روش‌شناختی مطالعه حکایت دارد.

در مجموع، این شبکه گویای گفتمانی چندلایه اما نامتوازن است: لایه‌های هویتی- نصّی و رهبری دینی از انسجام بالایی برخوردارند، در حالی که لایه رفتاری- سازمانی در حال گذار و توسعه است. این الگو مسیر تحول گفتمان مدیریت اسلامی را از اتکای کلاسیک به منابع دینی به سوی تلفیق تدریجی با مفاهیم نوین مدیریت و رفتار سازمانی نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

متن بر اساس تحلیل هم‌وقوعی کدواژه‌ها (جدول ۳) و مقایسه فراوانی و تمرکز مفهومی واژگان منتخب در نشریه «مدیریت اسلامی» با سایر نشریات علمی کشور (جدول ۲)، می‌توان به تصویری نسبتاً روشن از ویژگی‌های گفتمان مسلط، جهت‌گیری‌های مفهومی و جایگاه این نشریه در منظومه علمی کشور دست یافت. یافته‌های این بخش که مبتنی بر ترکیب تحلیل‌های کمّی و کیفی است، امکان شناسایی نقاط قوت، خلأهای مفهومی و ظرفیت‌های توسعه نظری در حوزه مدیریت اسلامی را فراهم می‌سازد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که نشریه «مدیریت اسلامی» تمرکز مفهومی بالاتری بر منابع هویتی- نصّی و مفاهیم رهبری دینی نسبت به میانگین نشریات علمی کشور دارد. مفاهیمی نظیر «امام علی (ع)»، «نهج‌البلاغه»، «امام خمینی (ره)» و «رهبر شهید(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» از بالاترین میزان مشارکت مفهومی برخوردارند، در حالی که برخی مفاهیم بنیادین همچون «شریعت» یا بسامد صفر دارند یا در حاشیه گفتمان علمی نشریه قرار گرفته‌اند. این الگو بیانگر غلبه رویکرد سیره‌محور و الهام‌گرفته از رهبری دینی بر چارچوب نظری مدیریت اسلامی در این نشریه است.

تحلیل شبکه هم‌وقوعی کدواژه‌ها (جدول ۳) نیز نشان می‌دهد که «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» به‌عنوان گره‌های مرکزی شبکه مفهومی عمل کرده و پیونددهنده لایه‌های مختلف گفتمان هستند. در این شبکه، مفاهیمی چون «امام علی (ع)»، «نهج‌البلاغه» و «رهبر شهید (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» بیشترین هم‌زیستی را با «مدیریت اسلامی» دارند، به‌گونه‌ای که این واژه‌ها به‌طور مکرر و معنادار در کنار یکدیگر ظاهر شده‌اند. این امر نشان‌دهنده تثبیت یک هسته مفهومی هویتی—رهبری در گفتمان نشریه است. در مقابل، مفاهیمی نظیر «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «اخلاق کار اسلامی» و «سازمان جهادی»، علی‌رغم حضور پررنگ در ادبیات سیاست‌گذاری و گفتمان انقلابی، در شبکه هم‌وقوعی از پیوندهای ضعیف‌تر و پراکنده‌تری با منابع نصّی و چارچوب‌های نظری مدیریت اسلامی برخوردارند. این وضعیت بیانگر آن است که این مفاهیم بیشتر در سطح کاربردی و ارزشی مطرح شده و کمتر به‌عنوان مقوله‌های نظری منسجم در دل گفتمان علمی نشریه تثبیت شده‌اند. در مجموع، نتایج جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد که گفتمان نشریه «مدیریت اسلامی» ساختاری چندلایه اما نامتوازن دارد که در آن، لایه هویتی—رهبری غالب بوده و مفاهیم جهادی و رفتاری هنوز به سطح یک چارچوب نظری مستقل ارتقا نیافته‌اند؛ امری که می‌تواند به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی پژوهش‌های آتی در حوزه مدیریت اسلامی مورد توجه قرار گیرد.

این یافته بیانگر این است که نشریه، گفتمان مدیریت اسلامی را در چارچوبی تعریف می‌کند که از یک‌سو بر منابع دینی اولیه همچون قرآن و نهج‌البلاغه اتکا دارد و از سوی دیگر، با رویکردی معاصر و سیاست‌گذارانه، اندیشه‌های رهبری نظام جمهوری اسلامی را نیز وارد ساختار تحلیلی خود کرده است (پهلوی، ۲۰۲۳).

از سوی دیگر، فقدان برجسته مفاهیمی مانند «شریعت» و تکرار اندک آن در جدول هم‌وقوعی، به‌شدت قابل‌تأمل است. واژه «شریعت» نه‌تنها در فراوانی واژگان نشریه حضور ندارد، بلکه در جدول هم‌زیستی نیز با اغلب مفاهیم اصلی فاقد پیوند است. این فاصله‌گذاری میان مدیریت اسلامی و شریعت، در قیاس با دیدگاه‌های موجود در دیگر مطالعات نوعی گسست معرفتی با گفتمان فقهی سنتی به شمار می‌رود. این امر ممکن است از یک‌سو ناشی از تمایل نویسندگان نشریه به عبور از ساختارهای فقهی به نفع رویکردهای اجرایی و کاربردی باشد، اما از

سوی دیگر، می‌تواند باعث فروکاست غنای نظری مدیریت اسلامی به یک چارچوب صرفاً اخلاقی-سیاسی شود که فاقد ریشه‌های فقهی است (نواز و همکاران[1]، ۲۰۲۳). تقویت یافته‌های این پژوهش با مرور مطالعات نظام‌مند جهانی نشان می‌دهد که برخلاف رویکرد داخلی که بیشتر بر شخصیت‌های مرجع و منابع روایی تمرکز داشته است، ادبیات بین‌المللی بر مقاصد شریعت، شاخص‌های حکمرانی خوب، و هم‌راستایی با اهداف توسعه پایدار تأکید کرده است بنابراین نشریه مدیریت اسلامی می‌تواند با الهام از این جریان‌ها، واژگان کلیدی خود را از سطح ارجاعات خطابی به سمت چارچوب‌های تحلیلی و قابل سنجش گسترش دهد. چنین مقایسه‌ای به وضوح جایگاه متمایز گفتمان مدیریت اسلامی ایران را نشان داده و زمینه هم‌افزایی بین‌المللی را فراهم می‌سازد (عیسی و عباس‌زاده[2]، ۲۰۲۳). نکته دیگر، جایگاه محوری نهج‌البلاغه و سیره امام علی(ع) به‌عنوان مرجع اصلی در تبیین نظریه مدیریت اسلامی است. هم‌رخدادی بالا میان «نهج‌البلاغه» و «امام علی (ع)» و همچنین میان این دو با «مدیریت اسلامی» و «مقام رهبری» نشان می‌دهد که نشریه از ساختار تبیینی کلاسیک شیعی در اندیشه سیاسی الهام گرفته و آن را با نیازهای مدیریت مدرن تطبیق داده است. این جهت‌گیری را می‌توان در راستای تلاش برای بومی‌سازی مفاهیم مدیریتی و ایجاد یک الگوی اسلامی- ایرانی از حکمرانی تحلیل کرد. این یافته با پژوهش‌هایی نظیر آقاجانی و همکاران (۲۰۲۰) که بر لزوم تلفیق منابع سنتی اسلامی با الزامات مدیریت معاصر تأکید دارند، قابل تطبیق است. از منظر روش‌شناختی، هم‌وقوعی‌های مکرر میان «امام خمینی (ره)»، «رهبر شهید(اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف)» و «مدیریت اسلامی»، بیانگر امتداد مفهومی بین رهبری فکری و حکمرانی دینی در دو دوره تاریخی متفاوت است. این تداوم از یک سو نشان‌دهنده ثبات مفهومی در نظریه‌پردازی مدیریت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است و از سوی دیگر، گویای نوعی انسجام در استفاده از مراجع مشروعیت‌بخش دینی در حوزه علوم انسانی اسلامی است. اما هم‌زمان، عدم حضور مفاهیمی مانند «فقه حکومتی»، «احکام» یا حتی «حاکمیت الهی» می‌تواند دال بر فاصله‌گرفتن نشریه نسبت به ساختارهای سنتی‌تر اندیشه سیاسی اسلامی تلقی شود؛ موضوعی که در تضاد با دیدگاه‌هایی همچون محمدجواد ارسطا (۱۳۹۶) یا داود فیرحی (۱۳۹۱) است که بر

1. Nawaz et al
2. Issa & Abbaszadeh

نسبت مستقیم میان شریعت و حکومت تأکید دارند. جایگاه میانه‌رو مفاهیمی مانند «امام حسین (ع)» و ارتباط کمتر آن با مفاهیم کلیدی دیگر، می‌تواند به نوع رویکرد اخلاقی-نمادین نسبت به ایشان اشاره داشته باشد، نه الگوسازی مدیریتی. این موضوع با یافته‌های پژوهشگرانی چون شهیدی (۱۳۸۸) و مطهری (۱۳۸۷) هماهنگ است که امام حسین (ع) را بیشتر در قالب یک الگوی اخلاقی، انقلابی و شهادت‌طلبانه بازشناسی کرده‌اند تا یک چارچوب مدیریتی اجرایی. با این حال، در عصر حاضر و به‌ویژه در مطالعات راهبردی تمدن‌ساز، جای آن دارد که سیره مدیریتی ایشان نیز به‌طور نظام‌مند مورد بازخوانی قرار گیرد؛ امری که در این نشریه به‌طور ضعیفی بازتاب یافته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که گفتمان حاکم بر نشریه «مدیریت اسلامی»، علی‌رغم تمرکز بالا بر منابع شیعی، فاقد تنوع مفهومی گسترده‌ای است که بتواند ابعاد مختلف حکمرانی اسلامی را پوشش دهد. برای نمونه، مفاهیم عدالت، مردم‌سالاری دینی، نظارت، مشورت، و حتی اخلاق اسلامی به‌عنوان ارکان مدیریتی، در ساختار فعلی تحلیل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین ضعف در پیوند با «شریعت» و «فقه حکومتی» می‌تواند موجب واگرایی نظری با جریان‌های دیگر علوم اسلامی شود و مانع از شکل‌گیری یک منظومه مفهومی منسجم گردد.

مقایسه با سایر مطالعات بین‌المللی نیز نکات قابل توجهی را در این زمینه برجسته می‌سازد. برای مثال، در اندونزی، مفاهیمی چون «عدالت اجتماعی»، «مقاصد شریعت» و «مشارکت مردمی» جایگاه پررنگی در تحلیل گفتمان مدیریت اسلامی دارند، در حالی‌که در نشریه ایرانی مورد مطالعه، تمرکز بیشتر بر رهبری دینی و الگوهای سلسله‌مراتبی است. این تفاوت گویای تمایز بومی در چارچوب‌سازی نظری و نشانگر لزوم بازنگری در غنای بین‌رشته‌ای گفتمان علمی در ایران است. نتیجه‌گیری نهایی این است که نشریه «مدیریت اسلامی» با وجود موفقیت در تثبیت مفاهیم خاصی چون رهبری دینی، سیره علوی، و کاربرد منابع شیعی، نیازمند تعمیق، تنوع‌بخشی و بازتعریف گفتمان خود در نسبت با مفاهیم کلاسیک اسلامی همچون شریعت، عدالت، مشارکت و فقه حکومتی است. چنین توسعه‌ای، ضمن ارتقاء سطح علمی و نظری این حوزه، می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری پارادایم جامع و تمدن‌ساز در مدیریت اسلامی گردد که هم در سطح ملی و

هم در عرصه بین‌المللی قابل رقابت باشد. این پژوهش علی‌رغم ارائه تحلیلی نوآورانـه از کاربسـت مفاهیم حکمرانی و مدیریت اسلامی در نشریه «مدیریت اسلامی»، با چند محدودیت همـراه اسـت. نخست آنکه داده‌ها صرفاً به یک نشریه تخصصی محدود شده‌اند و نمی‌توان نتایج را به کل ادبیات مدیریت اسلامی در ایران تعمیم داد. دوم، تحلیل واژگانی بر پایه کلیدواژه‌های منتخـب پژوهشـگر انجام گرفته و احتمال دارد برخی مفاهیم مرتبط یا متـرادف‌هـا از قلـم افتـاده باشـند. سـوم، هرچنـد ابزارهایی مانند NVivo ، MAXQDA و VOSviewer امکان تحلیل کمی و شبکه‌ای را فراهم کرده‌اند، اما لزوماً قادر به انعکاس تمامی ظرایف معنایی متون دینی و مدیریتی نیستند.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که گسترش دامنه تحلیل مفهومی بر اساس ماتریس هم‌وقوعی ۲۲×۲۲ نشان می‌دهد که منظومه پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی، به‌ویژه در حوزه مدیریت و حکمرانی اسلامی، در حال طی‌کردن یک فرآیند تدریجی و غیرگسسته از «متن‌محوری» صرف به سمت «کاربردمحوری» و توجه به سطوح رفتاری، سازمانی و مدیریتی است. هرچند مفاهیمی نظیر «مدیریت جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «سازمان جهادی» و «اخلاق کار اسلامی» از منظر بسامد و وزن شبکه‌ای در مقایسه با مفاهیم بنیادی دارای سهم کمّی محدودتری هستند، اما نتایج تحلیل هم‌وقوعی نشان می‌دهد که این مفاهیم از ظرفیت نظری و تحلیلی قابل توجهی برای توسعه گفتمان مدیریت اسلامی برخوردارند.

الگوی پیوندهای شبکه‌ای در ماتریس ۲۲×۲۲ حاکی از آن است که این مفاهیم نوظهور نه در مقام جایگزین منابع هویتی- نصّی، بلکه در نسبت تکمیلی و تعاملی با مفاهیمی همچون «قرآن»، «نهج‌البلاغه»، «امام علی(ع)» و سایر مؤلفه‌های بنیادین رهبری دینی قرار می‌گیرند. به بیان دیگر، مفاهیم جهادی و رفتاری می‌توانند به‌عنوان لایه‌ای میانی عمل کرده و امکان ترجمه مفاهیم انتزاعی و هنجاری استخراج‌شده از متون دینی را به الگوهای عملیاتی و قابل کاربست در سطوح مدیریتی و سازمانی فراهم سازند. این وضعیت نشان می‌دهد که گفتمان علمی موجود، ضمن حفظ وفاداری به منابع کلاسیک و نصّ‌محور، به‌تدریج در حال گشودن مسیرهایی برای توسعه مفاهیم میان‌رشته‌ای و کاربردی است. از منظر تحلیلی، نتایج به‌دست‌آمده بیانگر آن است که تقویت و صورت‌بندی نظام‌مند این مفاهیم کم‌بسامد اما معنادار می‌تواند به انسجام‌بخشی بیشتر ساختار نظری مدیریت و حکمرانی اسلامی کمک کند. به‌ویژه، تمرکز پژوهش‌های آینده بر تبیین نسبت مفاهیم

جهادی با مؤلفه‌های رهبری، مدیریت و اخلاق سازمانی، این امکان را فراهم می‌آورد که شکاف میان سطح مبانی هویتی–نصّی و عرصه عمل مدیریتی به‌صورت تدریجی کاهش یابد. در مجموع، یافته‌ها حاکی از آن است که مفاهیم جهادی و رفتاری، نه به‌عنوان عناصر حاشیه‌ای، بلکه به‌مثابه ظرفیت‌های تکمیلی و توسعه‌دهنده، می‌توانند نقش مهمی در جهت‌دهی آینده گفتمان پژوهشی مدیریت اسلامی ایفا کنند و گذار از متن‌محوری به کاربست‌پذیری نظری را تقویت نمایند.

با توجه به این محدودیت‌ها، مسیرهای متعددی برای تحقیقات آینده وجود دارد. نخست، می‌توان دامنه پژوهش را به سایر نشریات علمی داخلی و خارجی گسترش داد تا تصویری جامع‌تر از گفتمان مدیریت اسلامی ترسیم شود. دوم، ترکیب روش‌های داده‌کاوی متن با تحلیل‌های عمیق کیفی (نظیر تحلیل گفتمان انتقادی یا تحلیل هرمنوتیکی متون دینی) می‌تواند فهم دقیق‌تری از نحوه ترجمه مفاهیم اسلامی به زبان مدیریت فراهم کند. سوم، مطالعات تطبیقی میان نشریات ایرانی و مجلات معتبر بین‌المللی در حوزه حکمرانی اسلامی می‌تواند شکاف‌ها و فرصت‌های همگرایی علمی را آشکار سازد. چهارم، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به‌صورت میان‌رشته‌ای با حوزه‌هایی مانند علوم داده، زبان‌شناسی رایانشی و مطالعات تمدنی ترکیب شوند تا هم غنای نظری افزایش یابد و هم قابلیت بین‌المللی شدن ادبیات مدیریت اسلامی تقویت گردد. پژوهش حاضر همچنین پیشنهاد می‌کند که مطالعات آتی با استفاده از روش‌های علم‌سنجی پیشرفته‌تر، مانند تحلیل مسیرهای مفهومی، تحلیل خوشه‌ای و مدل‌سازی شبکه‌ای پویا، به بررسی عمیق‌تر جایگاه مفاهیم جدید بپردازند. به‌ویژه انتظار می‌رود که پژوهش‌های آینده بتوانند مسیر تکامل مفاهیم مدیریتی–جهادی را در نسبت با منابع اصیل دینی ترسیم کنند و بدین‌ترتیب تصویری دقیق‌تر از معماری دانشی حکمرانی اسلامی ارائه دهند.

Reference

Ganjali, Asadollah, and Parsazadeh, Ahmad. (2011). The Lakatos-Kuhn Model as a Methodological Framework for Theory Building in Islamic Management. Strategic Management Thought (Management Thought), Vol. 5 (2), 199–220. [In Persian]

Mousavi, Seyyed Ebrahim Raouf; Bayat, Abdolhamid, (2023), A Critical Examination of the Components of the "Employee Lifestyle" within Bureaucratic Government Organizations in Iran, *Islamic Management Quarterly*, Vol. 31, No. 2, pp. 129–167. DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.2.3.1 [In Persian]

Soltani, Mehdi-Reza, and Khoshbin, Amir-Reza, (2016), Content Analysis and Evaluation of Articles in *Islamic Management Quarterly* (Across 14 Issues), *Islamic Management Quarterly*, No. 96, pp. 191–215. DOR: 20.1001.1.22516980.1395.24.3.9.0 [In Persian]
Baharestan, Jalil. (2004). A Comparative Study of Islamic Management and Conventional Management. *Modarres Human Sciences Quarterly* (Special Issue on Management), 36, 1–36. [In Persian]

Khomeini, Imam. (1999). *Velayat-e Faqih* [Guardianship of the Jurist]. Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini’s Works.
Soroush, Abdolkarim. (2003). Justice and Responsibility in Islamic Governance. In Yahya Fawzi (Ed.), *An Examination of the Theoretical Foundations and Capabilities of the Reformist Islamic Discourse* (pp. 23–45). Tehran: Islamic Revolution Document Center Publications. [In Persian]

Motahhari, Morteza. (2021). *Velayat-e Faqih and the Clergy*. Tehran: Binesh-e Motahhar Publications. [In Persian]

Firahi, Davoud. (2012). *Jurisprudence and Politics in Contemporary Iran: Political Jurisprudence and Constitutional Jurisprudence* (Vol. 1). Tehran: Ney Publishing.
Motahhari, Morteza. (2008). *The Epic of Husayn* (Vol. 1). Tehran: Sadra Publications.
Shahidi, Seyyed Jafar. (2009). *The Life of Ali ibn al-Husayn (AS)*. Tehran: University Publishing Center. [In Persian]

Arasta, Mohammad Javad. (2017). "Foundations of the Jurisprudence of Governance in the Thought of Imam Khomeini," *Islamic Political Science Quarterly*. [In Persian]